

الباب الثامن من الواحد الرابع في ان باياته يخلق كينونية كلشي و يرزق و يميت و يحيي.

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثامن من الواحد الرابع في ان باياته يخلق كينونية كلشي و يرزق و يميت و يحيي.

ملخص اين باب آنکه کل شیء راجع میگردد بحکم نفس انسانیت و آن خلق شد از چهار آیت آیه خلق که فؤاد او باشد و آیه رزق که روح او باشد آیه موت که نفس او باشد و آیه حیات که جسد او باشد و کل در نوزده نفس ابواب جنت ذکر شده زیرا که هر خلق و رزق و موت و حیاتی که واقع شود بظهور این مظاهر میگردد و همچنین در مقابل در نوزده باب نار هر چه از این شئون واقع گردد بالله بآنها میگردد زیرا که آنها در بالله قبل بوده اند اگر چه در بعد خارج شده اند این است که حکم بر ثانی میگردد که مقترن بذات حروف سبع نشده و الا اول که مقترن بذکر رسول الله - صلی الله علیه و اله - بوده بوده اند

مثلا اگر یکی از اهل بیان ورق گلی دهد بمؤمنی این نیست الا فعل حروف واحد زیرا که این نفس تکثر او است و نکرده این را الا از جهت اطاعت آنها و در این فعل دیده نمیشود الا فعل الله این است که اگر در مشرق یا مغرب یکی از اهل بیان بدیگری شأنی از شئون خلق یا رزق یا موت یا حیات را ظاهر کند خداوند ظاهر کرده و آن وقت او مظهر آن فعل بوده و در او دیده نمیشود الا آن واحد اول که در او دیده نمیشود الا الله این است که غیر الله خالق شیئی نبوده و غیر الله رازق شیئی و غیر الله ممیت شیئی و غیر الله محیی شیئی



ORIGINAL



AUDIO

و همچنین اگر در مشرق یکی از حروف نار بدیگری این شئون را ظاهر کند بالله صدق میگردد ولی الله نمیگردد و الی الله راجع نمیگردد و من الله اطلاق نمیشود زیرا که در آن حین غیر الله دیده و غیر الله دیدن ظاهر نمیگردد الا بدیدن دون نقطه بیان چنانچه لقاء الله محقق نمیگردد الا بنظر بر آن

و کل آنچه در بیان متکون میگردد باین شئون اربعه بواسطه آیات و کلماتی است که در بیان نازل شده نظر کن در قبل اگر آیه حج نازل نشده بود شئونی که مترتب بر خلق و رزق و موت و حیات در سبیل حج میگردد چگونه محقق میشد همچنین کل اوامر را مشاهده کن و مبین الا الله که غیر او خالق و رازق و ممیت و محیی بوده و نیست

و در نزد هر ظهوری از نقطه محتجب ممان که اگر قدر لمحۀ محبوب بمانی در مظهر فعل الله مذکور نمیگرددی چنانچه امروز اگر مظهری در قرآن مظهر رزق شود اگر چه بالله رازق است ولی چون نشناخته است او را و از ظهور آن محتجب مانده راجع الی الله نمیشود که لایق گردد که فعل او در ظل فعل مظاهر او ذکر شود

چنانچه اگر امروز یک فنجان آب که مؤمن ببیان دهد نزد عارف بالله احلی است از آنچه کل آلاء ارض را من لم یؤمن بالبیان حاضر نماید بمنتهی شأن حب زیرا که این کاس ماء در ظل مظاهر فعل ذکر میگردد ولی آن شأن اگر چه بالله بوده ولی امروز حکم نمیشود بر او و خداوند فعل او را نسبت بمظاهر خود نمیدهد زیرا که آن مظاهری را که او معتقد است در این کور مرتفع شده و بمقامات خود واصل گشتند و هنوز او نشناخته چگونه حکم بر فعل او ذکر شود در ظل فعل مظاهر حق سبحان الله عن ذلک تسبیحا عظیما

و اگر کسی درک یک شأن از شئون "من یظهره الله" را نماید بهتر است از این که درک کند کل شئون بیان را بعد از ظهور آن نه قبل زیرا که در آن فعل فعل الله ظاهر و در قبل اگر چه بالله هست ولی لایق نیست که الی الله نسبت داده شود الا و آنکه نفس اون شائی شود از شئون بیانیه که آن وقت لایق است که در مظهر فعل واقع شود زیرا که حروف حی آن ظهور بسا باشد که ظاهر شوند و هنوز مردم باین حروف حی متمسک و در مقاعد آنها نزد آنها ساجد گردند چنانچه امروز مشاهده میشود اگر چه آن همان است بعینه ولی حکم بعد از ظهور مرتفع میگردد و در مظاهر ظاهره فعل الله متجلی میگردد این است که حکم بر او میگردد

فلتنتظرن ان یا اولی الابصار فانا کما منتظرین.

